

حکم هدیه به قاضی

اگر اعطا واقعاً به قصد هدیه باشد؛ یعنی در آن مقابله ملاحظه نشده باشد، حکم آن تابع قصد مَهْدی (۱) و مَهْدی الیه (۲) است، و چون مَهْدی الیه همیشه قصد مَهْدی را نمی داند، بنابراین حکم او همیشه با مَهْدی یکی نیست. از این رو بحث هر یک جداگانه مطرح می شود.

۱. حکم هدیه با توجه به قصد مَهْدی:

الف) قصد مَهْدی حکم و قضاوت قاضی نیست؛ مثلاً چون مرد مؤمنی است یا از خویشاوندان اوست، به وی هدیه می دهد □ دادن و گرفتن این هدیه اشکالی ندارد. (مکاسب محرّمه، ج ۱۹۱، ص ۴)
ب) غرض مَهْدی یک غرض فاسدی است؛ مثلاً می خواهد محبت قاضی را به خود جلب کند تا حکم به نفع او صادر شود □ دادن و گرفتن این هدیه حرام است، هرچند منجر به نتیجه هم نشود. (مکاسب محرّمه، ج ۱۹۱، ص ۵)

۲. حکم هدیه با توجه به قصد مَهْدی الیه:

الف) مَهْدی الیه عالم به قصد مَهْدی است:
یک- قاضی هدیه را قبول می کند با این قصد که طبق نظر و میل مَهْدی رفتار کند □ این هدیه قطعاً حرام است. (مکاسب محرّمه، ج ۱۹۳، ص ۳)
دو- قاضی قصدش این است که پول را از او بگیرد و کار خلافی انجام ندهد □ با توجه به حرمت دادن هدیه، گرفتن آن نیز بر قاضی، به دلیل اعانت بر اثم حرام است. (مکاسب محرّمه، ج ۱۹۴، ص ۳ و ۴)
ب) مَهْدی الیه جاهل یا غافل از قصد مَهْدی است □ گرفتن هدیه برای قاضی اشکال ندارد، اما بذل آن برای دهنده هدیه حرام است. (مکاسب محرّمه، ج ۱۹۴، ص ۵)

[۱]. هدیه دهنده

[۲]. گیرنده هدیه